

زبان شناسی دکارتی

زبان شناسی دکارتی

نوام چامسکی

احمد طاهریان

هرمس، ۱۳۷۸

در جهان غرب دکارت را به عنوان بنیانگذار فلسفه جدید می‌شناسند، در واقع اصطلاح فلسفه جدید به فلسفه از دکارت به بعد اطلاق می‌شود. از عصر دکارت دوران جدیدی شکل می‌گیرد. که تأثیر آن را در حوزه‌های مختلف علوم شاهد هستیم.

گرچه برخی از زبان‌شناسان بر این باورند که در تمامی مطالعات مهم زبانی قبل از قرن نوزدهم را که امروز دیگر در حیطه زبان‌شناسی قرار نمی‌گیرند، می‌توان در چند جمله خلاصه کرده، اما نوام چامسکی این نظریه را نمی‌پذیرد و در کتاب زبان‌شناسی دکارتی می‌خواهد با بازگشت به گذشته و دقت در مطالعات قرون هفدهم و هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم ذهن‌ها را متوجه کشفیات جدید کند. از اینرو اصطلاح زبان‌شناسی دکارتی را که امری غریب به نظر می‌رسد، بر سر زبان‌ها می‌اندازد. او می‌گوید: «من سعی ندارم زبان‌شناسی دکارتی را آن طور که خود این علم می‌خواهد توصیف کنم، بلکه می‌کوشم توجه خود را به نظرها و آرای می‌مطوف کنم که به نحوی کاملاً مستقل در آثار جدید ظهور کردند» از این‌رو کسانی که با دستور زایش چامسکی آشنایی دارند، درک و فهم این مباحث دشوار نیست. اما سؤال اساسی که در خصوص زبان‌شناسی دکارتی مطرح می‌شود این است که آیا مباحث مربوط به زبان که در آثار دکارت آمده، بر ساخته ذهن اوست یا ریشه در آثار قدیم تر دارد، و اگر چنین نیست پس چرا از زبان‌شناسی دکارتی یاد می‌کنیم و حتی دکارت در آثار مهم خود چون گفتار «در روش راه بردن عقل» و «تأملات» توجه‌ای به زبان ندارد، آیا می‌توان با تفسیر به رای از زبان‌شناسی دکارتی سخن بگویم.

چامسکی با علم به این واقعیات و شایسته دانستن چنین سؤالاتی در کتابی کم حجم به طرح این مسأله می‌پردازد. این کتاب به چهار بخش اصلی تقسیم شده است که عبارتند از:

جنبه خلاقانه کاربرد زبان

ژرف ساخت و رو ساخت

توصیف و تبیین در زبان‌شناسی

فراگیری و کاربرد زبان

در پایان خلاصه‌ای از گفته‌های چامسکی آمده است. مؤلف در این کتاب بر آن است تا نشان دهد که نظریه‌های جدید زبان‌شناسی در مطالعات قبلی مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

قلم‌بی‌نیازند. خواننده می‌تواند مطمئن باشد، تا آنجا که امر ترجمه اجازه می‌دهد، مراد مؤلف را به درستی در ترجمه فارسی در می‌یابد. مترجم تا آن حد در انتقال درست مفاهیم مورد نظر مؤلف و به دست دادن ترجمه‌ای کاملاً امانت‌دارانه اصرار دارند که آگاهانه در پاره‌ای مواضع روانی و زیبایی ترجمه خود را فدای آن منظور مهم کرده‌اند. خواننده می‌تواند در جاهایی با سلیقه مترجم موافق نباشد؛ با وجود این، انتخاب معادل‌هایی کاملاً بجا و بدیع و عموماً زیبا برای اصطلاحات و عبارات، و رسایی ترجمه و موفقیت آن در ابلاغ مراد مؤلف تحسین برانگیز است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. همه عبارات و جملات داخل گیومه در این مقاله، عیناً از کتاب لودویگ ویتگنشتاین برگرفته شده‌اند.

۲. کتاب ماه - دین، شماره اول.

۳. برای این موضوع رجوع کنید به: «خدا در فلسفه ویتگنشتاین مقدمه»، سیل بارت، ترجمه هدایت علوی تبار، در فصلنامه ارغون، شماره ۷ و ۸: «فلسفه دین ویتگنشتاین»، جان هایمان، ترجمه خلیل قنبری، در فصلنامه هفت آسمان، شماره اول، بهار ۱۳۷۸.

3. "A Lecture on Religious Belief" in *Lectures and Conversations*.

4. William Donald Hudson

۵. مترجم این عبارت را در مقابل "Form of Life" آورده و از واژه «معیشت» معنای اصلی و درست آن را مراد کرده‌اند که با مقصود ویتگنشتاین کاملاً هماهنگ است. اما خواننده لابد توجه دارد که «معیشت» در اینجا به معنایی بسیار وسیع‌تر از آنی است که امروزه در فارسی از آن فهمیده می‌شود و بیشتر ظنی اقتصادی دارد.

6. determinate referent

7. Picture theory

۸. برای شرحی بسیار سودمند از سه نظریه در مسئله رابطه عقل و ایمان (از جمله نظریه ایمان‌گرایی) رجوع کنید به فصل سوم از کتاب عقل و اعتقاد دینی، نوشته مایکل پترسون و... ترجمه احمد تراقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو، ۱۳۷۶.

اشاره می‌کنیم که به نظر ویتگنشتاین نسبت الهیات به باور دینی مثل نسبت دستور یک زبان به خود آن زبان است، و خواننده را به کتاب ارجاع می‌دهیم.

و اما سخن کلی درباره کتاب لودویگ ویتگنشتاین. به نظر نگارنده، این کتاب (و کمابیش دیگر آثار مجموعه «پدیدآورندگان کلام جدید») در نوع خود کتابی بسیار سودمند و برای خواننده فارسی زبان غنیمت است. با وجود این، قدمت نسبی اثر، و بطور کلی کل مجموعه مورد نظر، می‌تواند ضعف آن به شمار آید (اصل کتاب در ۱۹۶۸ منتشر شده است). این ضعف در کتاب لودویگ ویتگنشتاین خود را به دو صورت نشان داده است. اول اینکه، هنگام تألیف کتاب برخی از آثار ویتگنشتاین هنوز منتشر نشده بوده و مؤلف در تألیف کتاب از آنها بهره‌ای نبرده است، در حالی که پاره‌ای از آنها با توجه به نوع رویکرد مؤلف به موضوع می‌توانستند مورد رجوع باشند. دوم اینکه گذشت بیش از سه دهه از تألیف کتاب، اعتبار برخی آرای مؤلف را مخدوش ساخته است. به عنوان نمونه، او جدی‌ترین چالش فکری مؤمنان مسیحی را در موضوع معناداری زبان دینی می‌داند که البته این سخن در مورد دهه‌های پنجاه و شصت میلادی کاملاً درست است. اساساً، رونق فلسفه دین در آن دوره بیشتر از دریچه بحث زبان دین صورت گرفت و البته فلسفه زبان ویتگنشتاین در این موضوع تأثیر بسیار داشت و انتشار کتاب پژوهش‌های فلسفی از عوامل مهم رونق مجدد فلسفه دین بود. اما، با وجود اهمیت بحث زبان دین، این موضوع جایگاه سابق خود را از دست داده و موضوعات دیگری جای آن را گرفته‌اند. بنابراین دیگر نمی‌توان گفت که «جدی‌ترین تحدی» در موضوع معناداری زبان دین است.

و سرانجام کلامی هم درباره ترجمه کتاب. مترجم دانشمند و دقیق‌النظر کتاب - که ترجمه اولین اثر مجموعه (گابریل مارسل) را نیز برعهده داشته‌اند - برای اهل فکر و فلسفه این دیار از معرفی صاحب این

ژرف‌نگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی